

منازعه مسلمانان و هندوها بر سر شهر آیودیا (۲۰۱۸-۱۹۴۹)

حمید شمسیان‌فرد^۱
محمد ابوالفتحی^۲
مسعود اخوان کاظمی^۳

چکیده

یکی از مسائل مهم زمان حاضر گسترش منازعه‌های دینی است که بر جامعه و سیاست کشورهای مختلف تأثیر گذاشته است. هدف مقاله درک ریشه‌های منازعه مسلمانان و هندوها بر سر شهر آیودیا است. پرسش اصلی مقاله این است که چرا مسلمانان و هندوها بر سر این شهر وارد منازعه شده‌اند؟ آیودیا شهری قدیمی در شمال هند است. هندوها اعتقاد دارند این شهر محل تولد راماست. در هندوئیسم راما آواتار (تجسد) یکی از خدایان هندو با نام ویشنو است. هندوها می‌گویند بابر پادشاه گورکانی معبد راما را تخریب کرد تا به جای آن مسجد بابری را بسازد. از نیمه قرن نوزدهم میلادی تا زمان حاضر، منازعه‌هایی بین مسلمانان و هندوها برای کنترل شهر آیودیا اتفاق افتاده است. در سال ۱۹۹۲ میلادی این منازعه‌ها به تخریب مسجد بابری به وسیله جمعیت خشمگینی از هندوها منجر شد. در این مقاله نقش تصور تهدید، تعامل رهبران دینی و مقام‌های سیاسی، و منابع قدرت اجتماعی و مادی در منازعه مسلمانان و هندوها بررسی شده است. از روش ردیابی روند استفاده شده است که بر اساس روایت علی منازعه را تبیین می‌کند. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، تبیین کیفی است. پیشینه تحقیق نشان‌دهنده نوآوری تحقیق حاضر است. نتیجه‌گیری‌ها نشان می‌دهند که سه فرضیه پیشنهاد شده عوامل مهمی هستند که منازعه مسلمانان و هندوها بر سر این شهر را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: آیودیا، مسلمانان، هندوها، رهبران دینی، مقام‌های سیاسی.

^۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه: hamidshamsianfard@yahoo.com

^۲- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، نویسنده مسئول: dr.mabolfathi@razi.ac.ir

^۳- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه

Conflict of Muslims and Hindus over the City of Ayodhya (1949-2018)

Hamid Shamsiyanfard

Ph.D. Student of Political Science, Razi University

Mohammad Abolfathi¹

Assistant Professor of Political Science, Razi University

Masoud Akhavan Kazemi

Associate Professor of Political Science, Razi University

Abstract

One of the important issues at present is the spread of religious conflicts that have affected the society and politics of different countries. The purpose of the article is to understand the roots of the conflict of Muslims and Hindus over the city of Ayodhya. The main question of the article is why there has been a conflict between Muslims and Hindus over this city? Ayodhya is an old city in the north of India. Hindus believe the city is the birthplace of Rama. In Hinduism, Rama is an avatar (embodiment) of the Hindu god called Vishnu. Hindus say that Babur the king of Gurkani destroyed the temple of Rama to build the Babri Masjid. From the middle of the nineteenth century to the present, a conflict between Muslims and Hindus took place to control Ayodhya. In 1992, this conflict led to the demolition of the Babri Masjid by an angry mob of Hindus. In this article, the role of perception of threat, the interaction between religious leaders and political officials, and social and material power resources have been examined in the conflict of Muslims and Hindus. The process tracing method has been used which explains the conflict based on causal narrative. The method of data analysis is qualitative explanatory method. The literature review shows the innovation of this research. The conclusions show that the three suggested hypotheses are important factors that explain the conflict of Muslims and Hindus over this city.

Keywords: Ayodhya; Muslims; Hindus; Religious leaders; Political officials.

¹- Corresponding Author: dr.mabolfathi@razi.ac.ir

مقدمه

امروزه منازعه‌های دینی در سطح جهان در حال گسترش هستند. همه دین‌ها دارای مکان‌های مقدس هستند. این مکان‌ها با توجه به اعتقادات و مناسک یک دین اهمیت پیدا می‌کنند. شیفتگی نسبت به مکان یا شهر مقدس یک پدیده تقریباً جهانی است. اگر مکان مقدسی برای پیروان دو یا چند دین اهمیت داشته باشد آنگاه احتمال دارد در چنین مکانی منازعه دینی اتفاق بیافتد. یکی از این مکان‌ها شهر آیودیا است. آیودیا نام شهری قدیمی در بخش فیض آباد ایالت اوتارپرادش هند است. نام دیگر این شهر سکنا است که در زبان سانسکریت به معنای بهشت است. هندوها می‌گویند آیودیا زادگاه خدای آنها با نام راماست. در قرن دهم هجری قمری به دستور ظهیرالدین محمد بابر مؤسس سلسله گورکانیان هند مسجدی برای مسلمانان در این شهر به نام مسجد بابری بنا شد. در تاریخ ششم دسامبر سال ۱۹۹۲ میلادی حدود دو بیست هزار نفر فعال هندو در شهر آیودیا جمع شدند و به مسجد سیصد و پنجاه ساله بابری حمله کردند. آن‌ها با وسایلی که در اختیار داشتند این مسجد را کاملاً تخریب کردند تا به جای آن معبدی موقتی برای آواتار راماست که به باور آنها در این محل متولد شده بود، بنا کنند (Fuller, 2004, p.262). تخریب این مسجد باعث آشوب‌هایی شدید در هند شد و در پاکستان و بنگلادش هم خشونت‌هایی به وقوع پیوست. در ادامه این خشونت‌ها در ماه فوریه سال ۲۰۰۲ میلادی فعالان هندو که در قطاری در ایالت گجرات بودند مورد حمله عده‌ای از مردم خشمگین قرار گرفتند. حمله‌کنندگان قطار آنها را آتش زدند و همه پنجاه و هفت مسافر قطار در آتش سوختند. این واقعه باعث شورش‌هایی در ایالت گجرات شد که حداقل دو هزار نفر کشته برجا گذاشت (Jaffrelot, 2003). منازعه بر سر شهر آیودیا تا زمان حاضر ادامه داشته است. دادگاه عالی هند در تاریخ پنجم دسامبر ۲۰۱۷ میلادی اعلام کرد تا تاریخ هشتم فوریه ۲۰۱۸ میلادی دادخواست‌های مربوط به منازعه آیودیا را ثبت می‌کند. این تاریخ مصادف با بیست و ششمین سالگرد تخریب مسجد بابری است (Rajagopal, 2017). سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا شهر آیودیا که هندوها و مسلمانان چند صد سال در آن زندگی کرده‌اند به مکانی برای خشونت‌های دینی تبدیل شده است؟

پیشینه تحقیق

با بررسی‌های انجام شده مشخص شد تا زمان حاضر کتاب یا مقاله‌ای که در بردارنده موضوع منازعه مسلمانان و هندوها بر سر شهر آیودیا باشد ارائه نشده است. منابع محدودی که درباره منازعه‌های دینی وجود دارند به بررسی این منازعه‌ها در زمان قدیم پرداخته‌اند و از نظر مکانی هم به کشور ایران یا برخی از شهرهای ایران قدیم محدود می‌شوند. تحقیق حاضر از منظر جامعه‌شناسی سیاسی دارای نوآوری است.

کتابی که به بررسی منازعه‌های مذهبی پرداخته است منازعات فرقه‌ای و تحول مذهبی در ایران نوشته محمدرضا قلی‌زاده است. نویسنده در ابتدا به دلایل عدم وحدت مذهبی در ایران در اوایل ورود اسلام اشاره کرده و عوامل رشد فرقه‌گرایی در اسلام و ایران را مطرح کرده است. او سپس به پیدایش نخستین فرقه‌های اسلامی پرداخته و چگونگی بالا گرفتن سطح تعصبات فرقه‌ای را بررسی کرده است. نویسنده در پایان واکنش جریان‌های مذهبی سنی علیه شیعه را مورد توجه قرار داده و احیای حاکمیت جریان‌های مذهبی سنی را نشان داده است (Gholizadeh, 2010). نمونه دیگر در این زمینه مقاله‌ای با نام منازعات حنبله با شیعه امامیه در عصر سلجوقی نوشته علی محمدی است. او می‌گوید با سقوط آل بویه که به تقویت جایگاه شیعیان در بغداد کمک زیادی کرده بودند سلجوقیان سنی مذهب به قدرت رسیدند. حنبلی‌ها که سابقه دشمنی دیرین با شیعیان داشتند از این فرصت بهره بردند و عرصه را بر شیعیان تنگ کردند و این منازعه‌ها به اوج خود رسید. نویسنده در این مقاله پیشینه حنبلی‌ها، آراء، عقاید و فعالیت‌های آنها را تا زمان به قدرت رسیدن ترکان سلجوقی نشان داده است. همچنین او منازعه‌های حنبلی‌ها و شیعه اثنی عشری در بغداد دوره سلجوقی شامل منازعه‌های دوره طغرل و آلب ارسلان، منازعه‌های زمان ملکشاه سلجوقی و منازعه‌های عهد برکیارق و سلطان محمد را بررسی کرده است (Mohammadi, 2012). مقاله‌ای با نام تحلیل منازعات مذهبی نیشابور در عهد سلجوقیان نوشته گراوند و همکاران هم در ارتباط با این موضوع قابل ذکر است. آن‌ها می‌گویند در زمان سلجوقیان میان شافعیان، حنفیان، کرامیان و دیگر فرقه‌ها رقابتی خصمانه برای کسب قدرت سیاسی و اجتماعی وجود داشت. نویسندگان سپس نقش مذهبی سلجوقیان در تشدید منازعه‌های مذهبی نیشابور، منازعه‌های دستگاه سلجوقیان با شیعیان نیشابور، تصوف در عهد سلجوقیان، منازعه‌های اشاعره و معتزله با دیگر فرقه‌ها، و منازعه‌های شافعی و حنفی با فرقه‌های دیگر نیشابور را بررسی کرده‌اند (Garavand; Alidadi Garavand & Haghazari, 2012).

چارچوب نظری

محققان درباره اینکه منازعه‌ها و منازعه‌های دینی چگونه و تحت چه شرایطی آغاز می‌شوند چند نظریه ارائه کرده‌اند. نخست، نظریه‌هایی وجود دارند که در آنها فرض می‌شود منازعه‌های دینی عمدتاً واکنشی هستند و در پاسخ به یک تهدید واقعی یا فرضی آغاز می‌شوند. به‌عنوان مثال مارک یورگنسمایر در کتاب *آیا جنگ سرد جدیدی به وقوع می‌پیوندد؟ ملی‌گرایی دینی در برابر دولت سکولار* می‌گوید بنیادگرایی واکنشی به دولت سکولار است که زندگی و جهان‌بینی دینی را تهدید می‌کند (Juergensmeyer, 1993, pp.1-8). کارن آرمسترانگ در کتاب *نبرد برای خدا* چنین فرض می‌کند که بنیادگرایی واکنش به نیروهای مدرنیته، مانند جهانی شدن فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است.

Armstrong, 2001, pp.5-12) آن‌ها بر این باورند که این تهدیدهای مختلف موجب واکنش در گروه‌های دینی به‌منظور حفظ هویت و شیوه‌های زندگی می‌شود. این نظریه‌ها دو علت برای بنیادگرایی دینی مطرح می‌کنند که برای درک منازعه‌های دینی مفید هستند. اول، یورگنسمایر و آرمسترانگ می‌گویند که بنیادگرایی عمدتاً واکنشی است و به‌منظور پیشدستی شروع نمی‌شود. در واقع، بنیادگرایی پاسخی به تهدیدهای واقعی یا متصور است. دوم، از دیدگاه این نظریه‌پردازان وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یک گروه خاص توضیح می‌دهد که چرا بعضی گروه‌ها به سمت بنیادگرایی حرکت می‌کنند و بعضی چنین نیستند.

دوم، مایکل ادوارد براون دانشمند علوم سیاسی در کتاب ملی‌گرایی و منازعه‌های قومی نظریه‌ای برای فهم خشونت‌های با انگیزه قومی دارد که برای فهم منازعه‌های دینی مفید است. براون در توضیح نظریه خود به فرضیه نفرت دیرین توجه می‌کند. در این فرضیه گفته می‌شود دو گروه قومی که قرن‌ها درگیر جنگ بوده‌اند به‌طور ذاتی مستعد خشونت متقابل هستند. براون می‌گوید اگر این فرضیه درست باشد آنگاه گروه‌های قومی باید در وضعیت جنگ دائمی باشند. اما در واقعیت گروه‌های قومی همیشه در حال جنگ با یکدیگر نیستند. به‌عبارت‌دیگر فرضیه نفرت دیرین نمی‌تواند نوسان جنگ و صلح میان گروه‌های قومی را توضیح دهد. براون برای توضیح این نوسان‌ها به دنبال یک عامل تسریع‌کننده برای منازعه‌های قومی است، چیزی که باعث بروز خشونت در زمان‌های مشخصی شود و در زمان‌های دیگر چنین اثری نداشته باشد. او می‌گوید رهبران قومی عامل تسریع‌کننده خشونت هستند که در برخی زمان‌ها نفرت قومی را برمی‌انگیزند (Brown, 2001, pp.3-25).

سوم، نظریه مفید دیگر برای توضیح نوسان خشونت‌های دینی نظریه توماس کریستنسن در مورد بسیج با تحریک نخبگان است. کریستنسن در کتاب خود درباره منازعه چین و آمریکا در زمان جنگ سرد می‌گوید تهدیدهای بین‌المللی می‌توانند موجب شوند نخبگان داخلی در تأمین امنیت کشورهای خود با چالش‌های سختی مواجه شوند. این به نوبه خود می‌تواند باعث شود نخبگان سیاست خارجی خصمانه‌تری نسبت به آنچه ترجیح می‌دهند در پیش گیرند. هدف آنها از پیگیری چنین سیاست‌های خصمانه‌ای، بسیج داخلی برای دستیابی به نیازهای امنیتی است. بسیج موفقیت‌آمیز به منابع اجتماعی و مادی قدرت بستگی دارد. کریستنسن همچنین معتقد است که استفاده از ایدئولوژی توسط نخبگان سیاسی برای بسیج مردم در مقابل تهدیدهای خارجی مهم است (Christensen, 1996, pp.3-10). نظریه کریستنسن و نظریه براون

روی نقش نخبگان در شناسایی تهدیدها، تعریف اقداماتی برای مقابله با این تهدیدها، توضیح تهدیدها و اقدامات مقابله با آنها به‌منظور بسیج شهروندان و سایر منابع قدرت اجتماعی و مادی داخلی تأکید می‌کند.

پرسش و فرضیه‌های تحقیق

پرسش تحقیق مقاله این است که چرا مسلمانان و هندوها بر سر شهر آیودیا وارد منازعه شده‌اند؟ و فرضیه نوشتار این است که مسلمانان و هندوها به علت ۱- تصور تهدید متقابل، ۲- تعامل رهبران دینی و مقام‌های سیاسی، ۳- وجود منابع قدرت اجتماعی و مادی، بر سر شهر آیودیا وارد منازعه شده‌اند.

روش تحقیق

نگرش درباره منازعه‌های دینی به‌عنوان واقعیت‌هایی تاریخی که در تحولات اجتماعی بلندمدت جوامع انسانی ریشه دارند روش تحقیق را به سمت تحقیق تاریخی هدایت می‌کند. علت این است که هر کدام از منازعه‌های دینی تاریخ ویژه خود را دارند. شکی نیست که تاریخ محتوای اصلی و ماده خام همه علوم اجتماعی را تشکیل می‌دهد و از ترکیب تاریخ با نظریه است که علم اجتماعی پدید می‌آید. گرایش‌های صرفاً نظری و انتزاعی و غیرتاریخی در جامعه‌شناسی سیاسی میان تهی و کسالت‌بارند. موضوع واقعی علوم اجتماعی به‌طور کلی فرایند همه‌جانبه و انضمامی عمل تاریخی است و از همین رو انسان‌ها و نیروهای اجتماعی واقعی باید نقطه عزیمت چنین علومی باشند (Bashiriyeh, 2011, p.14).

با توجه به اینکه تحقیق، مورد پژوهی منازعه مسلمانان و هندوها است از روش ردیابی روند استفاده می‌شود. این روش در مطالعه‌های موردی و تحقیق‌های تطبیقی کیفی کاربرد دارد. ردیابی روند روشی است که در آن تحلیل‌گران کیفی تلاش می‌کنند مکانیسم‌های علی را مشخص کنند که متغیر تبیینی را به یک معلول یا پیامد پیوند می‌دهد (Taliban, 2008, p.91). بنیان مطالعه‌های تطبیقی و موردی در علوم سیاسی و اجتماعی تبیین روایت‌های تاریخی به شیوه‌ای است که در آن روایت‌های آمیخته و پیچیده به مرحله‌ها یا رویدادهایی تجزیه می‌شوند که به شکل روایت علی به یکدیگر پیوسته‌اند (Goldstone, 1998, pp.829-835). ردیابی روند بر این پیش فرض بنا شده است که برای بررسی یک پدیده ویژه لازم است سلسله حوادثی ردیابی شوند که به دنبال هم اتفاق افتاده‌اند. بنابراین، برای فهمیدن یک رویداد ویژه باید آن را در زنجیره‌ای قرار داد و مرحله‌های مختلف بروز آن را مشخص کرد (Bennett & Checkel, 2012, pp.7-12). کلیتون رابرتس می‌گوید تبیین تاریخی صرفاً توصیف دقیق دنباله‌ای از وقایع نیست، بلکه در تبیین تاریخی از نظریه‌ها برای توضیح رویدادهای مهمی استفاده می‌شود که باعث به وجود آمدن نتیجه می‌شوند (Roberts, 1996, p.15). بعضی مثال‌ها برای درک بهتر ردیابی روند مفید هستند. جان فوران در کتاب، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب، از روش ردیابی

روند استفاده کرده است. در بخشی از این کتاب که در مورد انقلاب اسلامی ایران است، فوران سه فرضیه برای توضیح اتفاقاتی که به انقلاب اسلامی ایران منجر شده‌اند مطرح کرده است. فرضیه‌های او عبارتند از: رکود اقتصادی داخلی، فضای باز سیاسی و ائتلاف انقلابی. فوران با استفاده از ردیابی روند با هدایت فرضیه بر حوادث سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ متمرکز شده است. او نشان می‌دهد که این حوادث به‌طور عمده مرتبط هستند و می‌توانند وقوع انقلاب اسلامی را تبیین کنند (Foran, 1993, pp.377-384).

همچنین گلدستون بر این باور است که شرایط اولیه، قوانین کلی، وابستگی به مسیر، و تبیین در جامعه‌شناسی تاریخی، می‌گوید برخی از محققان می‌پرسند چرا قدرت اقتصادی و نظامی انگلستان از هلند در قرن هجدهم و حتی از فرانسه در قرن نوزدهم پیشی گرفت؟ پاسخ این است که ما باید اقدامات بازیگران تاریخی خاص را در زمینه‌های تاریخی خاص ردیابی کنیم. ما نیاز داریم درباره منابع اقتصادی و نظامی در دسترس زمامداران انگلستان، هلند، و فرانسه، ائتلاف‌ها و درگیری آنها با نخبگان خود، و حمایت سیاسی و اقتصادی که از مردم کشورهای خودشان دریافت می‌کردند چیزهایی بدانیم (Goldstone, 1998, pp.833-834).

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در روش‌های کیفی، تجزیه و تحلیل اطلاعات به سه بخش تقسیم می‌شود: تجزیه و تحلیل تبیینی (علی)، تجزیه و تحلیل توصیفی، و تجزیه و تحلیل تفسیری. در تجزیه و تحلیل تبیینی کیفی، تبیین به این صورت انجام می‌شود که زمینه‌های تاریخی-اجتماعی که بر متن یا رویداد تأثیرگذار هستند بررسی می‌شوند و رویداد در یک قالب کلی توضیح داده می‌شود. در تجزیه و تحلیل توصیفی کیفی، محقق تلاش می‌کند تا مشخصات و ویژگی‌های متغیرهای مورد مطالعه را توصیف کند. در تجزیه و تحلیل تفسیری کیفی، محقق به زمینه معنای مورد نظر مراجعه می‌کند و سپس متن یا رویداد در آن زمینه فهمیده می‌شود (Mirkushesh, 2014). در مورد استفاده از تاریخ برای تبیین منازعه مسلمانان و هندوها بر سر شهر آیودیا باید دو مورد ذکر شود. نخست، تاریخ ارتباطی قوی با علوم اجتماعی دارد. یکی از دانشمندان جامعه‌شناسی با نام فیلیپ آبرامز در کتاب جامعه‌شناسی تاریخی می‌گوید: بسیاری از مسائل جدی جامعه‌شناسان باید به‌طور تاریخی حل شوند و بسیاری از تفاوت‌های فرضی بین جامعه‌شناسی و تاریخ واقعاً مشکلی در این زمینه به وجود نمی‌آورند. تاریخ و جامعه‌شناسی همیشه یکسان بوده‌اند. بین علوم اجتماعی و تاریخ، در صورتی که به‌طور مناسب تصور شوند، تفاوت‌های منطقی و حتی روش‌شناختی وجود ندارد (Abrams, 1982, pp.ix-x). دوم، تاریخ هم می‌تواند تبیین و هم توصیف کند. در علوم انسانی از جمله تاریخ شش سؤال که، کی، کجا، چه، چگونه، و چرا در تحقیق غالب هستند. پنج سؤال اول با توصیف ارتباط دارند و سؤال ششم با

تیین مرتبط است (Mansurbakht, 2009, p.154). در بخش‌های بعدی، برای آشنا کردن خوانندگان با منازعه مسلمانان و هندوها بر سر شهر آیودیا ابتدا یک توصیف مختصر ارائه و سپس موضوع تبیین می‌شود. این تبیین نشان می‌دهد که چرا چنین منازعه‌ای به وجود آمده و تا حال حاضر ادامه دارد.

توصیف منازعه مسلمانان و هندوها بر سر شهر آیودیا

به باور هندوها شهر قدیمی آیودیا محل تولد راما هفتمین آواتار ویشنو و یکی از شاهان این شهر است. همچنین آیودیا شهری است که حماسه باستانی رامایانا در آن اتفاق افتاده است. آیودیا مجاور شهر فیض‌آباد در منطقه مرکزی ایالت اوتارپرداش است. این شهر یکی از هفت محل زیارتی مهم (ساپتاپوری) برای هندوها است. شش محل زیارتی مهم دیگر ماتورا، هاریدوار، واراناسی، کانچیورام، اوجائین، و دوارکا هستند (Bansal, 2008, pp.34-35). هندوها اعتقاد دارند که در محل تولد راما معبدی وجود داشته است که به دستور ظهیرالدین محمد بابر پادشاه گورکانی هند تخریب شده است و در محل آن مسجد بنا شده است.

اولین خشونت ثبت شده بین مسلمانان و هندوها بر سر مکان‌های مقدس شهر آیودیا بین سالهای ۱۸۵۳ و ۱۸۵۵ میلادی اتفاق افتاد. در این زمان عده‌ای از مسلمانان سنی به رهبری فردی به نام غلام حسین به شهر آیودیا حمله کردند. ادعای آنها این بود که هندوها مسجدی را تخریب کرده‌اند تا در محل آن معبد هانومانگری را بسازند (Van der Veer, 1987, p.288). اما منازعه اصلی هندوها و مسلمانان پس از استقلال هند و جدایی پاکستان از این کشور شروع شد. در شب ۲۲ سپتامبر سال ۱۹۴۹ میلادی بت‌های رام و همسرش سیتا درون مسجد بابری ظاهر شدند. بسیاری از هندوها معتقد بودند معجزه‌ای اتفاق افتاده است. اما مسلمانان گفتند این کار فعالان هندو است که می‌خواهند مسجد را به کنترل خود درآورند. دادگاه‌های فدرال هم اعلام کردند که هندوها بت‌ها را به مسجد برده‌اند و حکم صادر کردند که باید بت‌ها از مسجد بیرون برده شوند. اما دادگاه‌های محلی چنین حکمی را نپذیرفتند. در سال ۱۹۵۰ میلادی، دادگاه‌های فدرال بدون بیرون بردن بت‌ها مسجد بابری را قفل کردند و نگهبان‌هایی را برای حفاظت از مسجد فرستادند. هم مسلمانان و هم هندوها کمیته‌های اقدام خود را تشکیل دادند تا ادعای خود را درباره محل مورد منازعه به اثبات برسانند. هندوها کمیته خدمت به محل تولد راما و کمیته مراسم آزادی محل تولد راما را تشکیل دادند. مسلمانان هم کمیته هماهنگی جنبش مسجد بابری و کمیته اقدام مسجد بابری در سراسر هند را تأسیس کردند. این کمیته‌ها پرونده‌هایی به دادگاه‌ها درباره بستن شدن مسجد بابری ارائه دادند (Elst, 1990, pp.145-154).

مرحله جدید منازعه که اثرات آن تا زمان حاضر ادامه داشته است در سال ۱۹۸۶ میلادی آغاز شد. در این سال یک دادگاه محلی حکم صادر کرد که باید قفل‌های مسجد بابری باز شوند و مسجد به روی عموم مردم گشوده شود. در ششم دسامبر سال ۱۹۹۲ میلادی حدود دویست هزار فعال هندو به منظور راهپیمایی در شهر آیودیا جمع شدند. فعالان هندو به مسجد بابری حمله کردند و در چند ساعت آن را تخریب کردند. این واقعه باعث شورش‌هایی در سطح کشور هند شد که حدود دو هزار کشته بر جای گذاشت (Tran, 2010). در کشورهای پاکستان و بنگلادش هم که همسایه هند هستند در واکنش به تخریب مسجد بابری شورش‌هایی به پا شد و به معبد‌های هندوها حمله شد (Ghosh, 1993, pp.706-708). دولت فدرال هند در پاسخ به واقعه آیودیا ورود هندوها به مسجد بابری را محدود کرد، دولت‌های تحت رهبری حزب بی‌جی‌پی را در چهار ایالت تحت کنترل آنها برکنار کرد، فعالیت سه گروه هندی یعنی وی‌اچ‌پی، آراس‌اس، و باجرانگ دال (شاخه جوانان وی‌اچ‌پی)، و دو گروه مسلمان را ممنوع اعلام کرد، و درخواست بازسازی مسجد بابری را مطرح کرد (Parikh, 1993, pp.674-676). با وجود این، در سال ۱۹۹۳ میلادی دادگاه‌های محلی به هندوها اجازه دادند که در محل مسجد تخریب شده بابری پرستش راما را از سر بگیرند.

در ماه نوامبر سال ۲۰۰۴ میلادی یک دادگاه در ایالت اوتارپرادش درخواست کرد در حکم تبرئه لال کریشنا ادوانی (معاون وقت نخست وزیر هند) تجدیدنظر شود. دادگاه ادوانی را در تخریب مسجد بابری بی‌تقصیر دانسته بود. در سال ۲۰۰۵ میلادی گروهی از مبارزان مسلمان به محل مورد منازعه وارد شدند و قصد داشتند با مواد منفجره‌ای که در یک خودروی جیب‌جاسازی کرده بودند محل ساختن معبد راما را منفجر کنند. نیروهای امنیتی یازده نفر را در درگیری با این مبارزان کشتند. در سال ۲۰۰۷ میلادی دادگاه عالی هند درخواست تجدیدنظر در حکم منازعه آیودیا را نپذیرفت. در سی‌ام سپتامبر سال ۲۰۱۰ میلادی دادگاه ... آباد با صدور حکمی دو سوم مسجد را به هندوها و یک سوم را به مسلمانان داد. در ماه دسامبر سال ۲۰۱۰ میلادی مسلمانان و هندوها برای اعتراض به بخش‌هایی از حکم دادگاه عالی ... آباد به دادگاه عالی هند مراجعه کردند. در سی و یک مارس سال ۲۰۱۵ میلادی دادگاه عالی هند به رهبران بی‌جی‌پی یعنی لال کریشنا ادوانی، مورلی مانوهار جوشی، اوما بهاراتی، و کالیان سینگ درباره دست داشتن در تخریب مسجد بابری هشدار داد. در بیست و یک مارس سال ۲۰۱۷ میلادی دادگاه عالی هند تلاش‌های تازه‌ای را برای حل منازعه آیودیا آغاز کرد. در نوزده آوریل ۲۰۱۷ دادگاه عالی هند دوباره اتهام دست داشتن رهبران بی‌جی‌پی در واقعه تخریب مسجد بابری را تکرار کرد. نخست وزیر فعلی هند نارندرا

دامودارداس مؤدی از رهبران حزب هندو — ملی گرای بهاراتیا جاناتا (بی‌جی‌پی) است. مؤدی همچنین عضو سازمان هندی آراس‌اس است. بنابراین در حال حاضر حمایت هندوها از رهبران دینی و سیاسی خود ادامه دارد (Livemint, 2018). در ششم آوریل سال ۲۰۱۸ میلادی دادگاه عالی هند با ارجاع پرونده منازعه آبودیا به یک دادگاه بزرگتر مخالفت کرد (Rautray, 2018).

۸- تبیین منازعه مسلمانان و هندوها بر سر شهر آبودیا

همانطور که در بخش قبل گفته شد، هندوها در سال ۱۹۴۹ میلادی تلاش کردند با گذاشتن بت‌ها درون مسجد بابری آنجا را تصرف کنند. در نهایت دولت فدرال هند تصمیم گرفت برای پایان دادن به شورش‌های ناشی از این اقدام بدون بیرون آوردن بت‌ها مسجد را به روی مسلمانان و هندوها ببندد. این تصمیم در کاهش شورش‌ها مؤثر بود اما به اختلاف‌های هندوها و مسلمانان بر سر مکان‌های مقدس شهر آبودیا پایان نداد. دوره آرامش نسبی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۶ میلادی را می‌توان با توجه به تسلط حزب کنگره ملی هند بر سیاست هند از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۸۴ و تبلیغ ناسیونالیسم هندی موردنظر آنها که غیر دینی و غیرقوم‌گرا بود، تبیین کرد. این نوع ناسیونالیسم هندی تحت رهبری جواهر لعل نهرو اولین نخست‌وزیر هند شکل گرفت و پس از استقلال به ایدئولوژی مسلط تبدیل شد. نهرو در برنامه کاری خود برای هند بر اصلاحات اقتصادی و صنعتی تأکید کرد و گفت توسعه اقتصادی باعث شکل‌گیری طبقات اجتماعی می‌شود که جایگزین قوم‌گرایی دینی می‌شوند. به نظر او مشارکت مردمی در روند دمکراتیک به همراه نهادها و آموزش و پرورش لیبرال باعث فرسایش هویت‌های دینی و قومی می‌شد و به جای آن یک هویت هندی بر مبنای ارزش‌های دمکراتیک و اقتصادی هند ظاهر می‌شد (Malik & Singh, 1992, pp.319).

با وجود این، نگرش نهرو درباره آینده هند تا حد کمی محقق شد. به جای اینکه روند دمکراتیک جایگزین هویت‌های دینی و قومی شود، بلوک‌های رأی دهنده‌ای در اطراف این شکاف‌ها ظاهر شدند و قوم‌گرایی دینی را تقویت کردند. به علاوه، احزاب سیاسی و سازمان‌هایی در تقابل با دیدگاه‌های سکولار نهرو شکل گرفتند که تأکید کردند فرهنگ و ارزش‌های هندو نباید در روند سیاسی نادیده گرفته شود. با وجود این، احزاب سیاسی دینی ملی‌گرا تا زمان اعلام وضعیت اضطراری به وسیله نخست‌وزیر هند ایندیرا گاندی در حاشیه‌های زندگی سیاسی هند باقی ماندند.

وضعیت اضطراری از ماه ژوئن سال ۱۹۷۵ میلادی آغاز شد و تا ماه مارس سال ۱۹۷۷ ادامه پیدا کرد. اعلام وضعیت اضطراری چندین علت داشت. یکی از علت‌ها جنگ سال ۱۹۷۱ هند و پاکستان بود. دولت هند پس از این جنگ اعلام کرد تهدیدهایی علیه امنیت ملی هند وجود دارد. علت دیگر خشکسالی اوایل دهه ۱۹۷۰ و بحران نفتی سال ۱۹۷۳ میلادی بود که اقتصاد هند را در وضعیت دشواری قرار داده بود.

همچنین در سال ۱۹۷۱ راج ناراین که در انتخابات پارلمانی از ایندیرا گاندی شکست خورده بود به دادگاه شکایت کرد. اتهام او این بود که ایندیرا گاندی با سوء استفاده از امکانات دولتی در انتخابات تقلب کرده است. اخبار مربوط به تقلب در انتخابات باعث شد بین سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۵ شورش‌ها علیه دولت ایندیرا گاندی افزایش یابد. به دنبال این شورش‌ها گروه‌های مخالف حزب کنگره ائتلافی با نام اتحاد جانانا تشکیل دادند. در ماه ژوئن جاگموهانلال سین‌ها قاضی دادگاه شهر ا... آباد اعلام کرد ایندیرا گاندی در سوء استفاده از امکانات دولتی برای پیروزی در انتخابات مقصر است و انتخابات باید دوباره برگزار شود. در همین ماه با برگزاری انتخابات مجدد پارلمانی، حزب کنگره از ائتلاف جانانا شکست خورد. اعلام حکم علیه نخست وزیر باعث گسترش آشوب‌ها شد. ایندیرا گاندی هم گفت به علت آشفتگی‌های اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی وضعیت اضطراری اعلام می‌کند. وضعیت اضطراری سیزده روز پس از حکم قاضی سینها اعلام شد و دو سال ادامه پیدا کرد (Klieman, 1981, pp.242-245).

در دوره وضعیت اضطراری گاندی با استفاده از اصل ۳۵۲ قانون اساسی هند اختیارات گسترده‌ای به دست آورد، آزادی‌های اجتماعی را از بین برد، و مخالفان سیاسی را سرکوب کرد. دولت با کمک پلیس هند هزاران نفر از مخالفان و رهبران اعتصاب‌ها را بازداشت کرد. همچنین انتخابات پارلمان و دولت‌های ایالتی به تعویق افتاد. این سرکوب‌ها باعث شکل‌گیری جنبش‌های مقاومت شد. سازمان آراس‌اس مقاومت عمده‌ای نشان داد. پس از دستگیری تعدادی از رهبران و اعضای این سازمان، بقیه اعضا و هواداران فعالیت‌های خود را گسترش دادند و با انتشار نوشته‌هایی خواهان احیای دموکراسی شدند. همچنین سیک‌ها پس از جلسه‌ای که در شهر آمریستار داشتند تصمیم به مقابله با دولت گرفتند. واکنش دولت دستگیری معترضان بود. طبق آمار سازمان عفو بین‌الملل طی دو سال که وضعیت اضطراری در هند اعلام شد صد و چهل هزار نفر بازداشت شدند که حدود چهل هزار نفر از آنها از اقلیت دو درصدی سیک‌های هند بودند (Grewal, 2008, pp.214-218). پس از اینکه وضعیت اضطراری در سال ۱۹۷۷ لغو شد، چند حزب مخالف حزب کنگره ملی هند که احزاب ملی‌گرای هندو هم در میان آنها بودند، ائتلاف کردند و حزب جانانا را تشکیل دادند. این حزب در انتخابات سال ۱۹۷۷ صاحب کرسی‌هایی در مجلس نمایندگان شد و مقام‌هایی در کابینه به دست آورد. این موضوع باعث شد احزاب ملی‌گرای هندو وارد جریان اصلی سیاسی هند شوند. از این زمان به بعد ناسیونالیسم هندو رشد کرد و راه فعالان هندو را هموار کرد. فعالان هندو با حمایت احزاب ملی‌گرای هندو تلاش کردند معبد بابری را تخریب کنند و به جای آن معبد رام را بسازند. بنابراین، دوره آرامش نسبی شهر آیودیا تمام شد (Malik & Singh, 1992, p.236).

موفقیت برنامه‌های ناسیونالیست‌های هندو به‌طور کلی، و تلاش آنها برای آزادی آیودیا از نفوذ مسلمانان به‌طور خاص، عمدتاً نتیجه فعالیت سه دسته سازمان در هند است: ۱- سازمان آراس اس ۲- احزاب ملی‌گرای هندو مانند بهاراتیا جانا سنگ (بی‌جی‌اس) که بعداً به حزب بهاراتیا جاناتا (بی‌جی‌پی) تبدیل شد. ۳- مهم‌تر از همه تأسیس سازمان ویشوا هیندو پریشاد (وی‌اچ‌پی) که رهبران دینی هندو بر آن مسلط بودند. همه این سازمان‌ها از اعتقادات و اعمال دینی برای اهداف خود استفاده کردند. این سه دسته سازمان هماهنگ شدند و برای تسلط بر آیودیا تلاش کردند.

آراس اس مهم‌ترین سازمان ملی‌گرای هندو است که پس از تجزیه شبه‌قاره هند باقی مانده است. اگر چه فعالیت این سازمان از فوریه سال ۱۹۴۸ تا جولای سال ۱۹۴۹ میلادی به گمان دست داشتن در ترور ماهاتما گاندی ممنوع شد، اما آراس اس پس از رفع ممنوعیت به فعالیت‌های خود ادامه داد و در دهه ۱۹۸۰ میلادی رشد کرد. آراس اس به دو روش به تلاش‌های ناسیونالیست‌های هندو کمک کرده است. نخست، این سازمان ایدئولوژی و برنامه‌های خود را در معرض توجه عده زیادی از هندوها قرار داده است. این سازمان برای نوجوانان و جوانان اردوهای آموزشی، مسابقات ورزشی، و برنامه‌های پس از مدرسه برگزار می‌کند. با برگزاری این برنامه‌ها بسیاری از جوانان با جهان بینی این سازمان آشنا می‌شوند. به علاوه، ایدئولوژی سازمان آراس اس یعنی تقویت جامعه و فرهنگ هندو آنقدر گسترده است که حمایت سازمان‌های مشابه را جلب می‌کند. اعضای آراس اس با سازمان‌هایی مانند بی‌جی‌پی و وی‌اچ‌پی هم همکاری می‌کنند. آراس اس از گروه راشترا سویکا سامیتی (کمیته زنان داوطلب ملی) که سازمان موازی آراس اس است حمایت می‌کند. همچنین این سازمان با هندوهای مهاجر در نقاط مختلف جهان ارتباط‌هایی برقرار کرده است. این ارتباط‌ها باعث گسترش ایدئولوژی ناسیونالیسم هندو در میان هندوهای کشورهای دیگر شده است (Nair, 2009, pp.25-28).

دومین روشی که آراس اس بر ناسیونالیسم هندو تأثیر گذاشته است حمایت از احزاب سیاسی هم‌فکر است. آراس اس تأکید می‌کند که می‌خواهد در روند سیاسی هند مشارکت فعال داشته باشد و رده‌های سازمانی خود را به رأی دادن تشویق می‌کند. در سال ۱۹۹۱ میلادی آراس اس مردم را به رأی دادن به حزب بی‌جی‌پی تشویق کرد. علت این بود که حزب بی‌جی‌پی از ساختن یک معبد هندو در محل مسجد بابری در شهر آیودیا حمایت کرده بود. حزب بی‌جی‌پی با حمایت سازمان آراس اس در انتخابات موفق عمل کرد و در انتخابات ملی صاحب ۱۱۹ کرسی و حدود ۲۰ درصد کل آرا شد. به علاوه، حزب بی‌جی‌پی در انتخابات ایالت اوتارپرادش که پرجمعیت‌ترین ایالت هند است و آیودیا در آنجا قرار دارد، و

ایالت‌های هیمچال پرادش، مادھیا پرادش، و راجستان پیروز شد. بنابراین، آراس‌اس با اینکه یک حزب سیاسی نیست اما توانایی‌های خود را در بسیج مردم برای شرکت در انتخابات نشان داده است (Van der Veer, 1994, pp.71-73).

دسته دوم سازمان‌هایی که برای فهم ترقی ناسیونالیسم هندو و منازعه بر سر آیودیا اهمیت دارند احزاب سیاسی ملی‌گرای هندو به ویژه بی‌جی‌اس، و بی‌جی‌پی هستند. در سال ۱۹۵۱ میلادی سیاما پراساد موکرگی که عضو سابق حزب هندوی ماهاسابها بود بی‌جی‌اس را تأسیس کرد. اعضای این حزب می‌گفتند که دولت جواهر لعل نهرو از اقلیت‌ها به ویژه مسلمانان حمایت می‌کند و این برای جمعیت اکثریت هندو مخرب است. هدف اعضای حزب بی‌جی‌اس معکوس کردن این وضعیت بود. موکرگی پس از تأسیس بی‌جی‌اس به دنبال حمایت آراس‌اس بود و باور داشت حمایت آراس‌اس باعث موفقیت حزب می‌شود. در سال ۱۹۵۲ میلادی بی‌جی‌اس ۳/۶ درصد رأی برای ورود به لوک سبھا (مجلس عوام) به دست آورد. در سال ۱۹۶۷ آرای این حزب به ۹/۴ درصد رسید. در دهه ۱۹۷۰ میلادی که فساد سیاسی در حزب کنگره ملی هند زیاد شده بود، حزب بی‌جی‌اس بر سیاست مبتنی بر اخلاق تأکید کرد. در سال ۱۹۷۵ ایندیرا گاندی نخست وزیر هند با اعلام وضعیت اضطراری فعالیت بی‌جی‌اس و آراس‌اس را ممنوع و اعضای آنها را زندانی کرد. پس از لغو وضعیت اضطراری در ۱۹۷۷ بی‌جی‌اس با حزب جاناتا ائتلاف کرد و در انتخابات ۱۹۷۷ موفق شد. پس از نتایج ضعیف انتخابات ۱۹۸۰ بی‌جی‌اس با جدا شدن از حزب جاناتا به حزب بهاراتیا جاناتا (بی‌جی‌پی) تبدیل شد. آتال بیهاری واجپایی بی‌جی‌پی را تأسیس کرد (Malik & Singh, 1992, pp.329-331).

حزب بی‌جی‌پی مانند بی‌جی‌اس بر سیاست مبتنی بر اخلاق تأکید کرد و بحران هند را زوال اخلاقی دانست. این حزب از فلسفه ماهاتما گاندی در ایدئولوژی سیاسی جدید خود استفاده کرد و بر اهمیت فرهنگ و معنویت هندی برای ایجاد جامعه و حکومت عادلانه تأکید کرد. اعضای بی‌جی‌پی گفتند سکولاریسم حزب کنگره ملی هند نسبت به ذات واقعی جامعه هند بیگانه است. بی‌جی‌پی بر دو مفهوم هیندوتوا (ملت هندو)، و بهارات (نام قدیمی هند) تأکید دارد. بنابراین، در برنامه حزبی بی‌جی‌پی ایجاد جامعه و حکومت عادلانه بر مبنای فرهنگ و معنویت هندو مورد نظر است. توجه به این نکته مهم است که بیشتر اعضای کلیدی بی‌جی‌پی با آراس‌اس ارتباط دارند. آتال بیهاری واجپایی اولین رئیس بی‌جی‌پی که بعداً نخست وزیر هند شد یکی از رهبران منطقه‌ای آراس‌اس بود. لال کریشنا ادوانی از سال ۱۹۸۶ رئیس بی‌جی‌پی شد یکی از روزنامه‌نگاران روزنامه وابسته به آراس‌اس با نام ارگانایزر بود. همچنین بیشتر اعضای بی‌جی‌پی از طبقات متوسط و بالای اجتماع هستند و تحصیلات عالی دارند. همانطور که قبلاً هم

گفته شد آراس اس در موفقیت انتخاباتی بی‌جی‌پی مؤثر بود و در سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱ میلادی فعالیت‌های انتخاباتی این حزب را تأیید کرد (Malik & Singh, 1992, pp.323-325).

مهم‌ترین سازمان برای تبیین اینکه چرا آیودیا به کانون ناسیونالیسم هندو تبدیل شده است وی‌اچ‌پی است. این سازمان در کنفرانس ۱۵۰ نفر از رهبران هندو در تاریخ بیست و نه آگوست ۱۹۶۴ مصادف با تولد آواتار کریشنا در شهر بمبئی تأسیس شد. هدف کلی وی‌اچ‌پی نمونه سازمان‌یافته و متحدی از هندوئیسم است. وی‌اچ‌پی می‌خواهد این نمونه متحد هندوئیسم را دین ملی هند معرفی کند. این سازمان می‌خواهد با یافتن مشترکات ویشنوئیسم و شیوائیسم اختلافات درون فرقه‌ای هندو را به حداقل برساند. هدف دوم وی‌اچ‌پی فعالیت در قبیله‌ها و کاست‌های عقب مانده و آوردن آنها درون جماعت هندوها است. وی‌اچ‌پی با هندوهای کشورهای دیگر هم ارتباط دارد و جلسه‌های خود را در آمریکا، کانادا، و ترینیداد هم برگزار می‌کند. این سازمان از هندوهای خارج کشور می‌خواهد در هند سرمایه‌گذاری کنند و از این راه توانسته درآمد زیادی کسب کند (Van der Veer, 1994, p.114). وی‌اچ‌پی پیوندهایی با آراس اس و بی‌جی‌پی دارد که باعث می‌شود تلاش‌های آنها برای تحقق هیندوتوا تقویت شود. آراس اس همیشه دبیر کلی برای وی‌اچ‌پی مشخص می‌کند و رده‌های بالای وی‌اچ‌پی مانند روابط بی‌جی‌پی و آراس اس، پیوندهایی مهم با آراس اس دارند. بی‌جی‌پی قبل از تخریب مسجد بامبری حمایت خود را از اهداف وی‌اچ‌پی برای ساختن معبد راما به جای مسجد اعلام کرد. همچنین قابل توجه است که وی‌اچ‌پی هم مانند آراس اس و بی‌جی‌پی از سایر دین‌های بومی هندو دعوت کرد در جلسه‌های آن حضور داشته باشند. رهبران بی‌جی‌پی از سیک‌ها برای شرکت در جلسه‌ها دعوت کردند و در سال ۱۹۶۶ دالایی لاما رهبر بوداییان در دومین نشست آنها شرکت کرد. با وجود این، آنها اسلام و مسیحیت را دین‌های خارجی می‌دانند و به جلسه‌های خود راه نمی‌دهند (Van der Veer, 1994, p.115).

وی‌اچ‌پی پس از مدتی تلاش‌هایی برای ایجاد نمونه متحد هندوئیسم را متوقف کرد و بر متون باستانی هندو مانند واداها، و اعمال دینی مانند سنت بهاکتی ایثار برای آواتارها تمرکز کرد. این سازمان در انجام چنین کاری به هندوئیسم مردمی توجه کرد که باعث توجه مردم به برنامه‌های دینی آن شد. در ابتدا وی‌اچ‌پی مانند گاندی از ماهابهاراتا و بهاگواد گیتا به عنوان متون مورد توجه مردم استفاده می‌کرد. ولی وقتی فعالان هندو در دهه ۱۹۸۰ برای آزادی آیودیا به شدت فعالیت می‌کردند، وی‌اچ‌پی رامایانا را متن نمونه هندوئیسم معرفی کرد. داستان نبرد رام و همسرش سیتا علیه دیوهای خارجی لانکا در سراسر هند معروف است. به علاوه در سال ۱۹۸۷ تلویزیون هند سریالی یکساله براساس داستان رامایانا پخش کرد که

به شدت پرمخاطب بود. بنابراین، آیودیا محل تولد راما به ابزاری قدرتمند و مفید برای بسیج هندوها در راستای برنامه ملی گرایی هندو تبدیل شد. بزرگ‌ترین موفقیت وی اچ پی در بسیج مردم، سازماندهی مردم در مراسمی با نام یاترا بود که بخشی از سنت‌های محبوب بهاکتی است. وی اچ پی در سال ۱۹۸۳ اکاتاماتا یاترا را برای وحدت ملی سازماندهی کرد. فرستاده‌های اصلی آنها دیگ‌های بسیار بزرگی از آب رودخانه گنگ را در مسیرهای زیارتی سنتی سراسر هند حمل کردند. به اعتقاد هندوها رودخانه گنگ یکی از خدایان است و می‌تواند انسان‌ها را پاک و رستگار کند. این مراسم به معنای بردن رودخانه برای همه مردم هندو و متحد کردن آنها بود. این یاترا به شدت موفق بود. طبق برآورد وی اچ پی حدود شصت میلیون هندو در آن شرکت کردند و پس از آن شعبه‌های وی اچ پی در سراسر کشور هند فعال شدند (Van der Veer, 1994, p.124). در سال ۱۹۸۴ وی اچ پی یاترای دیگری را برای آزادی محل تولد راما برگزار کرد. این مراسم از بخش سیتامارهی آغاز شد که به اعتقاد هندوها محل تولد سیتا همسر راما است. هندوها ابتدا به آیودیا و پس از آن به دهلی پایتخت هند رفتند. هدف آنها درخواست از مقامات دولتی برای بازگشایی مسجد بابری و اجازه دادن به هندوها برای عبادت در آنجا بود. این یاترا با ترور ایندیرا گاندی نخست‌وزیر هند در ماه اکتبر ۱۹۸۴ میلادی متوقف شد.

سومین مراسم که می‌توان گفت موفق‌ترین آنها بود رام شیلای پوجان نام داشت. هدف آن جمع آوری آجر از هندوهای هند و بقیه نقاط دنیا برای ساختن معبد راما در آیودیا بود. آجرها از روستاها و شهرهای هند و کشورهایی مانند آمریکا، کانادا، آفریقای جنوبی و ترینیداد آورده شدند. در سال ۱۹۹۰ با همکاری بی جی پی و آراس اس یاترای دیگری با نام رام رس یاترا برگزار شد. پس از درگیری هندوها با نیروهای نظامی، لال کریشنا ادوانی رئیس وقت بی جی پی بازداشت شد. مجله خبری ایندیا تودی روی جلد ادوانی را در لباس رامان نشان داد که پشت میله‌های زندان است. پس از آن هندوها شورش کردند و در ماه دسامبر ۱۹۹۲ میلادی حدود سیصد هزار فعال هندو با ورود به آیودیا مسجد بابری را تخریب کردند (Van der Veer, 1994, p.xi).

نتیجه‌گیری

تبدیل آیودیا به کانون ناسیونالیسم هندو و منازعه‌های خشونت بار هندوها و مسلمانان بر سر این شهر، فرضیه‌های مطرح شده را تأیید می‌کند. نخست، اقدامات ناسیونالیست‌های هندو نشان‌دهنده تصور تهدیدی بود که آنها درباره آیودیا به طور خاص و هیندوتوا (ملت هندو) به طور کلی داشتند. آراس اس، بی جی پی، و وی اچ پی هیندوتوا را ملتی ضعیف، آسیب پذیر، و در معرض تهدید حمله‌های خارجی، به ویژه تهدیدهای مسلمانان، تعریف کرده بودند. اگر چه هندوها حدود هشتاد درصد جمعیت هند را تشکیل

می‌دهند اما این گروه‌ها می‌گفتند هیندوتوا تحت فشار دین‌های خارجی بوده است. آن‌ها می‌گفتند هند ۱۲۰۰ سال تحت اشغال حاکمان مسلمان و پس از آن تا سال ۱۹۴۷ تحت اشغال انگلیسی‌ها (مسیحی‌ها) بوده است. آن‌ها همچنین به اقدامات پاکستان در منطقه و شورش‌های کشمیر به‌عنوان تهدیدی برای ملت هندو اشاره می‌کردند. به علاوه کشور بنگلادش هم که در سال ۱۹۷۱ با عنوان جمهوری خلق از پاکستان جدا شده بود در سال ۱۹۸۸ اعلام کرد که کشوری اسلامی است. ناسیونالیست‌های هندو به این موضوع هم به‌عنوان تهدیدی برای دین و فرهنگ هندو اشاره می‌کردند. بنابراین هندوها که اکثریت داشتند با توجه به تهدیدهای خارجی به ویژه اسلام ملت خود را بسیج کردند. منازعه آلودیا نمونه‌ای از تهدید بزرگتری است که به اعتقاد هندوها اسلام برای هندوئیسم ایجاد کرده بود.

مورد دوم این است که هندوها منابع قدرت مادی و اجتماعی قابل توجهی برای بسیج مردم داشتند. هر سه سازمان وی‌اچ‌پی، آراس‌اس، و بی‌جی‌پی از منابع خود برای بسیج توده‌های مردم هندو استفاده کردند. این گروه‌ها به گذشته جنگ طلب هندوئیسم اشاره می‌کردند. به ویژه جنگ ناگا سادوهای هندو با اورنگ زیب در قرن‌های هفدهم و هجدهم میلادی برای آنها مهم بود. آن‌ها همچنین سعی کردند بخش‌های تهاجمی هندوئیسم را با اشاره به خدایانی مانند دورگا (خدای جنگ) برجسته کنند و قدرت هندوئیسم را نشان دهند. دین‌های خارجی به ویژه اسلام و مسیحیت تهدیدی برای آنها بودند. همچنین سکولاریسم را تهدیدی برای هندوئیسم می‌دانستند و خواهان پایان دولت‌های سکولار بودند. آن‌ها طرفدار بازگشت ارزش‌ها و هنجارهای هندو به جامعه و سیاست بودند. آلودیا با استفاده از حماسه شناخته شده رامایانا به کانون ناسیونالیسم هندو تبدیل شد. هدف، اشاره به تهدید خارجی به ویژه اسلام و نیاز به دفاع از دین و فرهنگ هندو در برابر این تهدید بود. محل تولد رامایانا به نقطه مناسبی برای تلاقی حماسه دینی و دنیای اکنون و اینجا تبدیل شد. برای هندوها در حال حاضر نبرد رام و سیتا علیه دیوهای خارجی است. رهبران هندو با استفاده از مراسمی مانند سفرهای زیارتی، بردن آب رودخانه گنگ به نقاط مختلف هند و گرداندن ارباب خدایان میان هندوها توانستند آنها را برای اهداف برجسته دینی بسیج کنند. هندوها منابع قدرت اجتماعی قوی هم دارند. سازمان‌های وی‌اچ‌پی، آراس‌اس، و بی‌جی‌پی سازماندهی قوی و رهبران کاریزماتیک دارند. این سازمان‌ها با هندوهای خارج کشور هم ارتباط دارند و می‌توانند سرمایه‌های آنها را جذب کنند. هر کدام از سازمان‌های هندو اهداف مشخصی را دنبال می‌کنند. هدف آراس‌اس آموزش و بسیج جوانان هندو برای اهداف ناسیونالیستی هندوها است. وی‌اچ‌پی به دنبال هماهنگی رهبران دینی و برگزاری مراسم دینی برای هندوها است. بی‌جی‌پی درون نظام دولتی هند فعال است و به دنبال

کسب کرسی‌های قدرت در سطح ایالتی و ملی است. در مجموع این سازمان‌ها در هماهنگی تلاش‌ها برای رسیدن به اهداف مشترک بسیار موفق بوده‌اند. بنابراین موفقیت جنبش ناسیونالیست هندو به مهارت‌های این سازمان‌ها برای بسیج توده‌ها از طریق اعتقادات و اعمال عمومی هندوها وابسته است.

مورد سوم اینکه برجستگی منطقه‌ای و ملی منازعه آیودیا به واسطه تعامل نخبگان دینی و سیاسی بوده است. از سال ۱۹۹۰ به بعد ناسیونالیست‌های هندو از طریق حزب بی‌جی‌پی جایگاهی در دولت فدرال و چند دولت ایالتی هند به دست آوردند. این جایگاه به آنها اجازه داد به‌طور کلی برنامه ناسیونالیسم هندو و به‌طور خاص اهداف خود در شهر آیودیا را به پیش ببرند. تخریب مسجد بابر در سال ۱۹۹۲ باعث شد دولت فدرال، حزب بی‌جی‌پی را به سهل‌انگاری متهم و حاکمیت این حزب بر ایالت اوتارپرادش را لغو کند. اما بی‌جی‌پی پس از مدتی توانست قدرت خود در اوتارپرادش را پس بگیرد و حضور خود در دولت مرکزی را تقویت کند. به علاوه پیوندهای بی‌جی‌پی با آراس اس، و وی‌اچ‌پی باعث می‌شود این سازمان‌ها بتوانند از منابع یکدیگر استفاده کنند. وی‌اچ‌پی، و آراس اس هنگام فعالیت‌های انتخاباتی بی‌جی‌پی این فعالیت‌ها را تأیید می‌کنند. در عوض بی‌جی‌پی هم از تلاش برای ساختن معبد رام در محل مسجد باربری حمایت کرده است. نتیجه تلاش‌های سازمانی این بوده است که تعداد زیادی هندو از برنامه‌های ناسیونالیسم هندو حمایت کرده‌اند. شرکت گسترده در مراسم یاترا و دادن رأی به برنامه‌های اجتماعی و سیاسی حزب بی‌جی‌پی نمونه‌هایی از حمایت هندوها است. در مورد مسلمانان هم باید گفت پس از تجربه شبه قاره هند سازمان‌های اسلامی کشور هند مانند سازمان‌های هندو رشد نکردند. علمای سنی، جماعت اسلامی هند را که پیش از تجزیه وجود داشت حفظ کردند، اما تأثیر آن در مقایسه با وی‌اچ‌پی کم بوده است. پس از تهدید سال ۱۹۴۹ هندوها نسبت به وضع موجود، مسلمانان کمیته‌های اقدام خود را برای حفاظت از مسجد بابر تشکیل دادند. به ویژه کمیته هماهنگی جنبش مسجد بابر و کمیته اقدام مسجد بابر در سراسر هند قابل توجه هستند. با وجود این، مسلمانان در مقایسه با فعالان هندو به‌طور مؤثری خود را سازماندهی نکردند. مسلمانان هند به تخریب مسجد بابر واکنش نشان دادند. در مارس ۱۹۹۳ میلادی بیشتر از هفتصد هزار مسلمان در شهر دهلی پایتخت هند تظاهرات کرد که بزرگترین تظاهرات مسلمانان پس از تجزیه شبه قاره هند بود. با وجود این، در مقایسه با منابع مادی و سازماندهی گروه‌های هندو این اقدام زیاد مؤثر نبود.

سرانجام، باید گفت منازعه آیودیا هم ابعاد اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی دارد، هم به‌طور برجسته‌ای دینی است. سازمان وی‌اچ‌پی روی منازعه آیودیا تمرکز کرده است چون این شهر مقدس باعث بسیج

تعداد زیادی از هندوها در سراسر کشور شده است و آنها را به منظور دفاع از هیندوتوا در برابر خطرات خارجی متحد کرده است. آیودیا دقیقاً به این علت به کانون برنامه‌های اجتماعی و سیاسی سازمان‌های وی‌اچ‌پی، آراس‌اس، و بی‌جی‌پی تبدیل شده است که درون توده‌های مردم هندو اهمیت دینی پیدا کرده است. حماسه رامایانا که در آن حوادثی مربوط به غلبه خیر بر شر وجود دارد در سراسر هند شناخته شده است. ایثار برای رامایانا که در سنت بهاکتی وجود دارد هم میان هندوها محبوب است. به علاوه، سفر زیارتی برای بسیاری از هندوها یک شکل متداول دینداری است. همه این اعتقادات و اعمال دینی به موفقیت وی‌اچ‌پی، آراس‌اس، و بی‌جی‌پی کمک کرده‌اند. این سازمان‌ها از منابع دینی با هدف بسیج توده‌های مردم هندو برای دفاع از آیودیا و هدف بزرگ‌تر محقق ساختن هیندوتوا استفاده کرده‌اند.

References

- Abrams, P. (1982). *Historical sociology*, New York: Cornell University Press.
- Alidadi Garavand, M.; Haghazari, H., & Garavand, A. (2012). Analysis of Neyshabour religious conflicts during the Seljuk period. *Journal of Research in History*, 3(9), 53-72. (in Persian)
- Armstrong, K. (2001). *The Battle for God*, New York: Ballantine Books.
- Bansal, S. P. (2008). *Hindu pilgrimage*. New Delhi: Pustak Mahal.
- Bashiriyeh, H. (2011). *Political sociology: the role of social forces in political life*, Tehran: Nashreny. (in Persian)
- Bennett, A., & Checkel, J. T. (2012). Process tracing: from philosophical roots to best practices. *Simons Papers in Security and Development*, No.21, 1-48. Retrieved 28/12/2019, Available from: summit.sfu.ca/system/files/iritems1/14884/SimonsWorkingPaper21.pdf
- Brown, M. E. (2001). *Nationalism and ethnic conflict*, Cambridge: MIT Press.
- Christensen, T. J. (1996). *Useful adversaries: grand strategy, domestic mobilization, and Sino-American conflict: 1947-1958*. Princeton: Princeton University Press.
- Elst, K. (1990). *Ramjanmabhoomi versus Babri Masjid: a case study in Hindu-Muslim conflict*. New Delhi: Voice of India.
- Foran, J. (1993). *Fragile resistance: social transformation in Iran from 1500 to the revolution*. San Francisco: Westview Press.
- Fuller, C. J. (2004). *The camphor flame: popular Hinduism and society in India*, Princeton: Princeton University Press.

- Gholizadeh, M. (2010). *Sectarian conflicts and religious change in Iran*. Qom: Habib Publications. (in Persian)
- Ghosh, P. S. (1993). Bangladesh at the crossroads, *Asian Survey*, 33(7), 697-710.
- Goldstone, J. A. (1998). Initial conditions, general laws, path dependence and explanation in historical sociology. *American Journal of Sociology*, 104(3), 829-845.
- Grewal, J.S. (2008). *The Sikhs of the Punjab*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Jaffrelot, C. (2003). Communal riots in Gujarat: the state at risk? *Heidelberg Papers in South Asian and Comparative Politics*, 16. Retrieved 29/12/2019, Available from <http://archiv.ub.uni-heidelberg.de/volltextserver/4127/1/hpsacp17.pdf>
- Juergensmeyer, M. (1993). *The new Cold War? religious nationalism confronts the secular state*. Berkeley: University of California Press.
- Klieman, A. S. (1981). Indira's India: democracy and crisis government. *Political Science Quarterly*, 96(.2), 241-259.
- Livemint (2018). *Babri Masjid demolition case: A Timeline of Events*, Retrieved 28/12/2019, Available from: livemint.com/Politics/Babri-Masjid-demolition-case-A-timeline-of-events.html
- Malik, Y. K., & Singh V. B. (1992). Bharatiya Janata party: an alternative to the Congress (I)? *Asian Survey*, 32(4), 318-336.
- Mansurbakht, Q. (2009). Is historical explanation possible without theory and theoretical framework? *Historical researches of Iran and Islam*, 3(5), 149-170.
- Mirkushesh, A. (2014). Research methodology: data analysis. *Iranian Journal of International Relations*, Retrieved 26/12/2019, Available from: <http://www.iirjournal.ir/fa/> (in Persian).
- Mohammadi, A. (2012). Hanabele conflict with Imamie shia during the Seljuk period. *Journal of Islamic History and Civilization*, 8(15), 99-124. (in Persian)
- Nair, P. (2009). *Religious political parties and their welfare work: relations between the RSS, The Bharatiya Janata Party and the Vidya Bharati schools in India*, Birmingham: University of Birmingham.
- Parikh, M. (1993). The debacle at Ayodhya: why militant Hinduism met with a weak response? *Asian Survey*, 33(7), 672-684.
- Rajagopal, K. (2017, December 6). What is the Babri Masjid case all about? *The Hindu*. Retrieved 26/12/2019, Available from: <https://www.thehindu.com/news/national/the-hindu-explains-the-babri-masjid-case/article21248813.ece>

- Rautray, S. (2018, September 28). Ayodhya hearing to resume October end, SC refuses to set up larger bench for mosque matter, *The Economic Times*, Retrieved 28/12/2019 Available from:
<https://economictimes.indiatimes.com/news/politics-and-nation/supreme-court-refuses-to-refer-to-larger-bench-1994-ruling-which-may-impact-ayodhya-title-suit/articleshow/65978543.cms>
- Roberts, C. (1996). *The logic of historical explanation*, Pennsylvania: Penn State University Press.
- Taliban, M. (2008). Contemplation on process tracing technique in the studies of the Islamic Revolution of Iran. *Matin Journal*, 10(40), 91-116. (in Persian)
- Tran, M. (2010). Ayodhya: Guardian coverage of the Babri Mosque attack. *The Guardian*. Retrieved 21/12/2019, Available from:
<https://www.theguardian.com/world/2010/sep/28/ayodhya-mosque-india-guardian-report>
- Van der Veer, P. (1987). God must be liberated! a Hindu liberation movement in Ayodhya. *Modern Asian Studies*, 21(2), 283-301.
- Van der Veer, P. (1994). *Religious nationalism: Hindus and Muslims in India*, Berkeley: University of California Press.

